



تعمیر دکل ۴۵۰۰ تنی نفتی شهید مدرس

پیشنهادی به آقای غرضی دادیم و گفتیم این دکل حفاری را که حدود ۱۰۰ میلیون دلار می‌ارزد و دارد غرق می‌شود، به ما بدهید. ما با قبول ریسک و با ابتکار خودمان آن را بازسازی می‌کنیم. دکل حدوداً ۴۵۰۰ تن وزن داشت و پایه‌هایش حدود ۱۰۰ متر بود که یکی از پایه‌هایش شکسته بود

کتاب

ممنوعیت فروش نفت به آفریقای جنوبی

زمانی که مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره ایران بودم، یک کشتی از آفریقای جنوبی به لاوان آمده بود و وقتی اسناد حمل را به ما دادند، متوجه شدیم که این کشتی متعلق به آفریقای جنوبی است. من با آقای غرضی تماس گرفتم و گفتم که این کشتی می‌خواهد نفت را به مقصد آفریقای جنوبی ببرد و بندری که اینجا مشخصاتش را داده‌اند، بندر دربان در آفریقای جنوبی است. آفریقای جنوبی هم در تحریم است و ما اگر اسناد حمل را امضا کنیم و نفت ما به آنجا حمل شود، تبلیغات خیلی زیادی علیه ما خواهند کرد و جوسازی و گرفتاری زیادی درست می‌شود. حضرت امام (ع) صادرات نفت به آفریقای جنوبی را ممنوع کرده‌اند. او گفت که شما سریع آن را امضا کنید و کشتی را بارگیری کنید. من گفتم اصلاً کشتی را بار نمی‌کنم. کشتی را خالی می‌فرستیم برود، برای اینکه سیاست کشور این نیست که به آفریقای جنوبی نفت داده شود؛ بنابراین کشتی را بار نکردیم و همین‌طور متوقف در لنگرگاه ماند. من به تهران آمدم. در جلسه‌ای آقای غرضی گفت که ما در وضعیت جنگ هستیم و به هر قیمتی شده باید به هرکسی نفت بفروشیم. بعد تعبیری به کار برد که برای فروش اگر از ما هر چیزی هم بخواهند، باید به خریداران بدهیم که بیایند نفت ما را بخرند. من به ایشان گفتم: اصلاً چنین حرفی درست نیست. نفت یک کالای باارزش است و خریدار بالقوه هم در دنیا بسیار زیاد است. هیچ دلیلی هم ندارد به هر دلال و واسطه‌ای نفت بفروشیم. شما کار را به دست اهلش بدهید، نفت را می‌شود فروخت و دلیل ندارد که ما نفت را به حکومت نژادپرستی بدهیم که همه دنیا آن را تحریم کرده‌اند. حضرت امام (ع) هم فرموده‌اند به آنها نفت نفروشید.

گزارش

بررسی جلد نخست کتاب سال‌های بی‌حصار از مجموعه خاطرات اصغر ابراهیمی اصل، به سال‌های آغازین جنگ تحمیلی رسید و ابراهیمی اصل از شرایط جنگی کشور سخن گفته است. وی که پس از استانداری آذربایجان غربی به وزارت نفت رفته بود، مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره در شروع جنگ بود و درباره حملات عراق به سکوها و چاه‌های نفت ایران و نحوه خاموش کردن آتش‌سوزی‌ها در اثر حملات هوایی عراق، مباحثی را مطرح کرده است. در این شماره نیز سخنان وی حال و هوای جنگ و دفاع از کشور در سال‌های جنگ را دارد.

ورود به وزارت نفت و شرکت نفت فلات قاره

بعد از اینکه از وزارت کشور منفک شدم، با دستور آقای هاشمی‌رفسنجانی به وزارت نفت رفتم. تحصیلاتم را در دانشکده نفت آبادان انجام داده و برای تکمیل آن به آمریکا رفته بودم. اکنون پس از چند سالی که به دلیل وضعیت انقلابی حاکم بر کشور و نیازی که برای اداره مناطق حساس کشور به نیروهای مورد اطمینان بود، به وعده‌گام بازگشته بودم تا به عهد خود برای خدمت به کشور در زمینه نفت وفا کنم. در اولین جلسه‌ای که خدمت آقای غرضی رسیدم، علاوه بر اینکه مرا به‌عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران منصوب کرد، مدیرعاملی شرکت نفت فلات قاره را نیز به عهده من گذاشت. آن زمان پنج شرکت به نام‌های ایپاک، ایمینیکو، لاپکو، سیرپ و سوفیران وجود داشتند که شرکت‌های آمریکایی، فرانسوی، انگلیسی، ایتالیایی و یک شرکت مشترک انگلیسی و ایرانی بودند. ما این شرکت‌ها را با هم ادغام کردیم و شرکت نفت فلات قاره را شکل دادیم. شرکت‌های مذکور در

در سکو ایجاد شد، ولی تلفات جانی ندادیم و سکویی هم منهدم نشد یا آتش‌سوزی فعالی اتفاق نیفتاد.

کنوانسیون کویت

برای برطرف کردن آلودگی‌هایی که در دریا به وجود آمده بود، پیشنهادی که آن موقع داده بودیم به دلایلی کلی بود، اما بعد دقیق‌تر شد. بعد هم دو، سه کار مهم انجام شد؛ یکی اینکه راهکاری برای بستن چاه‌های نفت پیدا شد. آن موقع کنوانسیون کویت برگزار می‌شد و ما با معاون نخست‌وزیر که رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست بود به کویت رفتیم. آقای دکتر العوضی، وزیر بهداشت کویت، مسئولیت برگزاری و هماهنگی با کشورهای حوزه خلیج فارس را برعهده داشت. آلودگی به سواحل کویت، بحرین، ایران و جاهای مختلف رسیده و باعث مرگ پرنده‌ها و ماهی‌ها شده و مشکلات زیادی ایجاد کرده بود. از آنجا که در دیدار او و مستقیم عراقی‌ها بودیم، وقتی برای هر گونه کار اطفای حریق یا مثلاً کار فنی با کشتی به سمت سکو می‌رفتیم، که بتوانیم سکو یا چاه را ببندیم، حملات هوایی عراق شروع می‌شد و مجبور بودیم برگردیم؛ بنابراین باید راه‌حلی پیدا می‌کردیم که با غواصی و استفاده از لنج و قایق‌های فایبرگلاس و چوبی که را دار نتواند آنها را ردگیری کند یا هر تکنیک دیگری از زیر آب برویم و چاه را ببندیم. به دلیل فوران خیلی زیاد نفت و گاز، امکان اینکه از روی آب

چاه را خاموش کنیم وجود نداشت. از شعاع حدود یک کیلومتری دما به قدری زیاد بود که امکان نزدیک شدن به سکو وجود نداشت. سرانجام طرح ابتکاری بسیار خوبی تهیه شد. با این روش ابتکاری، با غواصی از زیر آب مجموعه لوله‌های کیسینگ (cas- ing) که عبور می‌کرد، به زمین و لایه‌های نفتی می‌رسید. بالاخره توانستیم از یک قسمت مناسبی لوله را ببندیم و فوران چاه را کنترل کنیم. در اینجا عمده کار را بچه‌های پالایشگاه تهران و بخش پالایشگاه‌ها انجام دادند. ایده‌اش را هم آقای مهندس میرزاده داده بود. او یکی از بچه‌های بسیار خوشفکر و بااستعداد بود و همراه با برادرش طراحی نحوه اجرای این کار را با وسایل و امکانات بسیار اولیه انجام دادند. متأسفانه از ایشان هیچ تقدیری نشد. دقیقاً با طرح ایشان چاه نوزده خاموش شد، ولی بهره‌برداری آن را آقای غرضی و تعدادی از بچه‌های پالایشگاه به نام خودشان در روزنامه‌ها و رسانه‌ها صادره کردند. در شرکت نفت فلات قاره، غیر از تولید در وضعیت جنگ و بحرانی، ما به واردات فرآورده از طریق جزیره سیری کمک کردیم. در واقع سیستم صادرات را به سیستم واردات تبدیل کردیم. برای اجرای این کار بزرگ در مدت زمان کوتاه، برادر محمدرضا فرهادی نقش کلیدی داشت. در این راه یک شهید هم دادیم. ما از طریق سیری، گازوئیل و بنزین را برای جنگ به خشکی می‌رساندیم و از خشکی با یک مسافت خیلی طولانی